

# چهار هزار سال

در چند مقاله

- ۱ -

در این سلسله از مقالات می‌کوشیم که دور نمانی از تاریخ چهار هزار ساله نژاد آریائی ایران را بدون توجه به جزئیات وقایع و با نظر به لطافت سمت تاریخ ایران و کیفیت بیرون آمدن ملت نیرومند ایرانی از مه‌لک اروپا و در مقاله نخستین فقط متوجه شناختن نژاد آریائی و مهاجرت آنان تا ایران هستیم.

نژاد هند و اروپائی

هزاران سال پیش یکی از قبایل و دسته‌های بزرگ بشر در نقطه نامعلومی از اروپا و یا آسیای مرکزی زندگی می‌کرد. این قبیله سپید پوست و شجاع و با هوش که بعد ها بر اثر تکثیر نفوس و گذشت روزگار قسمت بزرگی از آسیا و تمام اروپا را تحت تسلط و اختیار خود در آورد و در آنها بصورت ملت‌های مختلف سکونت گزید همانست که امروز در نژاد علمای نژاد شناس و مورخان بنژاد هند و اروپائی معروف می‌باشد.

نژاد هند و ایرانی

دسته‌ای از این نژاد بزرگ در تاریخی نامعلوم از قبیله اصلی خود جدا گشت و در نقطه‌ای از آسیای مرکزی سکونت گزید و چون دو ملت هندی و ایرانی از آن پدید آمد آنها را اصطلاح مورخین نژاد هند و ایرانی می‌خوانند. تاریخ مهاجرت این قوم همچنانکه گفتیم بدرستی معلوم نیست ولی برخی از روی قراین و حدسهائی زمان این واقعه را تا حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بالا برده‌اند. این دسته پیش از انقسام و توطن در اراضی جداگانه

جدید دیر گاهی با هم در آسیای وسطی میزیستند و پس از آنکه يك دسته بزرگ بنام «سکه» (۱) از آن جدا شدند خود چند گاهی با هم بسر بردند و سپس بدو شعبه جدید انقسام یافتند. نام آن قبیله اصلی که مدتی در آسیای وسطی بسر میبرد «آری» (۲) یعنی شریف بود. قبیله آری پس از چندی بعامل نامعلوم و شاید بر اثر کثرت نفوس و فاساد سازگاری محیط زندگی خود همچنانکه دیده ایم بدو دسته بزرگ منقسم گردید. دسته ای از جبال هند و کوش عبور کرد و بدره سند روی آرز شد و دسته ای دیگر در بسیاری از نقاط خرم و حاصلخیز میان رودهای سیحون و جیحون باقی ماندند و در حدود دو هزار تا ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر اثر حاجت باراضی جدید بنجدهای ایران روی آوردند.

دسته اول پس از عبور از هند و کوش و توطن در دره های پنجاب و سند نام اصلی قبیله خود یعنی آریا را بر سر زمین جدید نهادند و آنرا «آریا ورت» نامیدند لیکن ایرانیان بعداً آنرا بنام رود هیندو (سند) (در سانسکریت سیندهو) هیندو (هندو) نام دادند و بعداً این نام نه تنها مقبول همه حال دیگر قرار گرفت بلکه بوسیله خود هندو آن نیز پذیرفته شد. بنی اعمام هندی ایرانیان تا مدتی از حیث زبان و آداب و عادات و اساطیر و عقاید با آنان مشترک بودند یعنی آنچه را که قبیله اصلی آنان داشتند بیش و کم حفظ کردند و ایرانیان نیز تا مدتی مخصوصاً پیش از ظهور زردشت (حدود ۱۱ الی ۱۰ قرن قبل از میلاد) تقریباً بهمین وضع بسر میبردند. قدیمیترین لهجه هندو آن یعنی «سانسکریت» بالهجاء قدیم ایرانی خاصه لهجه اوستایی و پارسی باستان بی نهایت نزدیک است چنانکه آموختن آن برای رفع بسیاری از مشکلات این دو لهجه سودمند میباشد.

#### نژاد ایرانی و مهاجرت بایران

اما دسته دوم یعنی قبایلی از نژاد «هندو ایرانی» که مدتی در اراضی میان سیحون و جیحون باقی ماندند و سپس بنفوذ در نجدهای ایران پرداختند نیز نام قبیله خود را همواره بر نقاطی که در آن میزیستند می نهادند. نخستین محلی که بنا بر اشارات اوستا موطن این قوم بود سرزمین «آئیر آین وئچه» (ایران ویج) است که بنا بر عقیده غالب محققین همان سرزمین خوارزم میباشد. این قوم

چنانکه دیده‌ایم پس از چندی از ایران ویج شروع به مهاجرت کردند و بی آنکه میهن اصلی خود یعنی خوارزم را ترک کنند در نواحی حاصلخیز اطراف آمویه دریا (جیحون) و سیردریا (سیحون) مستقر گشتند. اما دامنه جهانگیری این نژاد نورمند به همین حدود محدود نماند بدین معنی که بزودی از رود جیحون تجاوز کردند و بتدریج تمام نچه‌های ایران را فرو گرفتند و آنرا بنام قبیله خود «آئیرین» خواندند و این همان نامست که بتدریج به اران و ایران مبدل گشت. تاریخ مهاجرت قوم آری‌آریا بایران همچنانکه گفته‌ایم از حدود ۲۰۰۰ الی ۱۵۰۰ و ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح میدانند و هر بعضی از آثار و بقایا کوهی پایتخت هیتی‌ها (یکی از دولت‌های قدیم آسیای صغیر) نام آریائی‌ان ایران در حدود ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح برده شده است و چون وقت بسیاری برای مهاجرت تدریجی آریائی‌ان ایرانی از مشرق بشمال غربی ایران لازم بود بنابراین باید تاریخ مهاجرت آریائی‌ان را به ایران در همان حدودی که حدس زده‌ایم دانست.

دسته‌های مختلف قوم آری پس از مهاجرت از ایران ویج بتدریج در سغد (۱) و مرو و بلخ و هرات و کابل و هلمند (میرهند) پراگشاندند و سپس در تمام مشرق ایران یعنی تمام خراسان کنونی و قسمت بزرگی از افغانستان و سراسر اراضی مابین خراسان فعلی و رود جیحون و ریگزار خوارزم توطن اختیار نمودند و این نواحی قدیمترین منزلگاه مهاجمین آریائی در ایران بوده است.

مرحله دوم مهاجرت قوم آری در ایران مهاجرت ایشان به دامنه‌های جنوبی البرز و اراضی خرم آذربایجان تا نزدیک جبال قفقاز است بوسیله قبیله بزرگی که بعداً بنام قبیله ماد تشکیل مملکت دادند. بنابراین آنچه مسلم شده است با قبیله ماد قبیله دیگری همراه بود بنام پارس. قدیمترین اطلاع صریح ما از این دو قبیله از حدود قرن نهم قبل از میلاد شروع میشود زیرا در همین قرنست که شلم نصر (سالما نازار) سوم ضمن شرح سفر و جنگ‌های خود در حدود کردستان نامی از دو قبیله جدید میبرد و یکی را «آماهای» (ماد) و دیگری را «پارسوآ» میخواند و میگوید که قبیله نخستین در جلگه‌های

اطراف رود زهاب و دیاله و قبیلهٔ ثانوی در کوهستانهای بین این دو رود زندگی میکردند. اشارات دیگری هم درست است که ثابت می‌کند مادها و پارس‌ها چند قرن پیش از این تاریخ در نواحی شمال غربی و برخی از قسمتهای مغرب ایران سکونت داشتند.

اما از قوم پارس پس از چندی در اراضی جنوبی ایران نشانه‌هایی می‌یابیم و این قبایل پس از ورود به اراضی جنوبی ایران آن نواحی را بنام خود پارس، خواندند، هرودت در حدود قرن چهارم قبل از میلاد نام دوازده قبیلهٔ بزرگ آریائی را میبرد که در اراضی جنوبی ایران یعنی پارس و کرمان متوطن بودند. باین ترتیب ملاحظه میشود که قبیلهٔ اری در مدت چند قرن از ایران و بیچ شروع بمهاجرت کرده و بتدریج در تمام نواحی ایران از اراضی آنسوی جیحون گرفته تا دره دجله و کوههای شمال غربی ایران و نزدیک جبال قفقاز و اراضی جنوبی ریگزار خوارزم و تا حدود فلات پامیر و نزدیک درهٔ سند قوطن اختیار نموده است. مازندران و کیلان جدیدترین نقاطی است که قبایل آریائی توانستند تسخیر کنند.

برای تسلط بر این نواحی وسیع حاصلخیز، قبایل آریا، رنجهای بسیار برده و بجنگ‌های شدید دست زده‌اند و ما شرح این مطلب و سایر مطالب را برای مقاله دیگری باقی میگذاریم.

رتال جامع علوم انسانی

